

تبیین موانع یکپارچه سازی اراضی کشاورزی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان بوکان)

خالد کریمی - دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت کشاورزی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران
لقمان رشیدپور* - استادیار گروه مدیریت کشاورزی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران
سلیمان رسولی آذر - استادیار گروه مدیریت کشاورزی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۰۴

چکیده

کشاورزی با واحدهای بهره‌برداري کوچک، به دلیل عدم استفاده مؤثر از فناوری و امکانات نوین، از عوامل محدود کننده بهره‌وری و بازدهی تولید در بخش کشاورزی محسوب می‌شود که قادر به تامین حداقل مواد غذایی مورد نیاز جامعه نخواهد بود. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - پیمایشی با هدف بررسی موانع یکپارچه‌سازی اراضی در شهرستان بوکان انجام شده است. جامعه آماری تحقیق بهره‌برداران شهرستان بوکان بودند. از بین آن‌ها ۲۰۰ نفر از طریق فرمول کوکران و به روش تصادفی ساده به نسبت متناسب انتخاب شدند. داده‌های مورد نیاز از طریق پرسش‌نامه محقق ساخته گردآوری شدند. روایی و پایایی پرسش‌نامه بر اساس نظر اساتید و کارشناسان مرتبط و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۸۷ درصد) تأیید شد. نتایج توصیفی تحقیق نشان داد میانگین سنی بهره‌برداران ۴۱ سال و به طور متوسط ۲۱ سال سابقه کار کشاورزی داشتند. هر کشاورز به طور متوسط ۳ قطعه زمین کشاورزی در اختیار دارد. نتایج تحلیل عاملی نشان داد، شش عامل، موانع فرهنگی، موانع اجتماعی - مشارکتی، موانع آموزشی، موانع اقتصادی، موانع قانونی و سیاستگذاری و موانع ساختاری (توپوگرافی) در مجموع توانستند حدود ۷۳ درصد از واریانس موانع یکپارچه‌سازی اراضی را تبیین کنند. نتایج نشان داد متغیرهای عدم آموزش روش‌های مناسب یکپارچه‌سازی، عدم شرکت کشاورزان در کلاس‌های توجیهی، رونق خرید و فروش اراضی کشاورزی، باورهای سنتی جامعه در مورد اراضی، ساختار قوانین خاص نظیر ارث و وقف، مالکیت زمین، عدم توجه به وضعیت اقتصادی روستاییان، عدم مشارکت بانک‌ها، عدم سرمایه گذاری مناسب در بخش کشاورزی، متغیرهای مهم تبیین موانع شش‌گانه یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی شهرستان بوکان می‌باشند.

واژگان کلیدی: اراضی کشاورزی، موانع، یکپارچه‌سازی، بوکان

نحوه استناد به مقاله:

کریمی، خالد، رشیدپور، لقمان، رسولی آذر، سلیمان. (۱۳۹۷). تبیین موانع یکپارچه سازی اراضی کشاورزی (مطالعه‌ی موردی: شهرستان بوکان). http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_545177.html مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۳(۳)، ۶۴۷-۶۶۱.

مقدمه

بسیاری از محققان و دانشمندان، توسعه کشاورزی را به مثابه استراتژی و راهبرد اصلی توسعه روستایی قلمداد کرده و معتقدند که کشاورزی به عنوان منبع اصلی تأمین درآمد و فرصت‌های اشتغال، نقش اساسی در توسعه روستایی ایفا می‌کند. از طرف دیگر، مسایل بسیاری چون امنیت غذایی و رسیدن به خودکفایی در تولیدات کشاورزی، جلوگیری از نابودی منابع آب، خاک و غیره، توجه جدی به بخش کشاورزی را ضروری می‌سازد (Mohammadi Ygane & nabati, 2013: 152). با وجود این، بخش کشاورزی برای پاسخ به نیازها در وضعیت موجود با مشکلات، تنگناها و کمبودهایی روبه‌رو است که چگونگی مقابله با آن نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد و توسعه کشاورزی دارد.

تقسیم اراضی کشاورزی به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های ساختاری در توسعه کشاورزی بویژه در بهره‌برداری‌های سنتی با نوع و ساختار حاکم بر مدیریت اراضی در سطح ملی مرتبط بوده و با دو مشکل دیرینه کوچکی قطعات بهره‌برداری و نیز پراکنده و خرد بودن زمین هر بهره‌بردار مواجه است که عمدتاً ریشه در نظام ارباب-رعیتی دارد (Roknadin etfekhari, 2003:25; Kalantari et al, 2006: 69). کشاورزی با واحدهای بهره‌برداری کوچک، به دلیل عدم استفاده مؤثر از فناوری و امکانات نوین، از عوامل محدود کننده بهره‌وری و بازدهی تولید در بخش کشاورزی محسوب می‌شود که قادر به تأمین حداقل مواد غذایی مورد نیاز جامعه نخواهد بود. این مسائل موجب عدم هماهنگی در تخصیص و ترکیب مناسب عوامل تولید، هرز رفتن آب در فاصله بین قطعات و عدم امکان مدیریت صحیح سایر عوامل تولید می‌شود (Rezaei et al, 2014: 47). شیردل و همکاران (Shirdel et al, 2012: 1) یکی از موانع و مشکلات عمده کشاورزی را خرد و پراکنده بودن اراضی کشاورزی می‌دانند که این امر منجر به افزایش هزینه‌ها، کاهش بهره‌وری و تلفات نهاده‌های کشاورزی می‌شود. مجموع این عوامل و نبود نظام بهره‌برداری مطلوب، اثرات منفی بر کارایی اقتصادی و فنی منابع و عوامل تولید کشاورزی برجا گذاشته است؛ به طوری که در بیشتر موارد نه تنها موجب افزایش عملکرد محصول و استفاده بهینه از عوامل و منابع تولید نمی‌شود، بلکه در موارد بسیاری ضایعات زیست‌محیطی و تخریب منابع آب و خاک را نیز در پی دارد (Ashrafi et al, 2006; Amirnejhad & Rafie, 2008; 117).

برنامه‌ریزان و سیاستگذاران توسعه کشاورزی برای غلبه بر چالش‌های ناشی از تفکیک و پراکنده‌گی اراضی کشاورزی، راه حل منطقی و قابل اجرای یکپارچه‌سازی اراضی را توصیه می‌کنند که با تغییر اندازه و ساماندهی زمین جهت بهبود و افزایش تولید کشاورزی، عقلانی کردن اندازه بهره‌برداری‌ها، تسهیل شرایط برای بکارگیری ماشین‌آلات و فن‌آوری‌های نوین و در نهایت دستیابی به توسعه کشاورزی مرتبط می‌باشد (Hadipour & Lasmipour, 2014). یکپارچه کردن زمین در ادبیات توسعه کشاورزی کشورهای جهان بسیار متداول بوده و به معنای یکپارچه‌سازی و یا هماهنگ نمودن کلیه فعالیت‌های کشاورزی اعم از آماده‌سازی زمین، تهیه بذر، کود، سم، ماشین‌آلات کشاورزی و نگهداری و استفاده صحیح از آنها، مدیریت صحیح مزرعه و بازاریابی محصولات کشاورزی است، به نحوی که بتوان ضمن بالا بردن توان تولید، نوع کشت و محصولات را مطابق با نیازهای جامعه هدایت نمود (Kalantari et al, 2006: 88).

یکپارچه‌سازی اراضی به زبان ساده فرایندی است که اراضی پراکنده را به یک واحد کامل تبدیل می‌کند (Roknadin etfekhari, 2003: 252) به عبارتی یکپارچه‌سازی به مفهوم یکی کردن اراضی پراکنده، تخصیص مجدد زمین در داخل یک قلمرو زراعی بین بهره‌برداران، تمرکز بخشیدن به اراضی بهره‌برداران و در اساس، فرایندی در راستای توسعه یکپارچه روستایی و کشاورزی است. یکپارچه‌سازی موجب تغییر فضایی پراکنش اراضی زراعی از طریق توزیع مجدد اراضی و متمرکز کردن آن‌ها در یک یا چند مکان و یا احتمالاً در یک واحد، از طریق تغییرات در شیوه‌های تولیدی با حفظ مالکیت‌های خصوصی در روی زمین یا با مالکیت جمعی است (Jawan & Sabounchi, 2012: 4). هدف اصلی یکپارچه‌سازی اراضی بهبود و نگهداری زمین زراعی و مدیریت بهتر زمین از طریق تمرکز کشاورزان بر قطعات کمتر مزرعه است که با حمایت از کشاورزان در قالب ایجاد جاده‌ها و زیرساخت‌های لازم صورت می‌گیرد (Lisec & Pintar, 2005:73-82). در واقع هدف آن کمک به جوامع برای استفاده بهینه از منابع تولید کشاورزی است که از طریق سامان‌دهی فضایی مجدد قطعات براساس یک توافق عامه منجر به نوسازی جامعه در تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود (Zhou, 1999: 3). یکپارچه‌سازی اراضی ابزاری بسیار مهم در راهبردها و طرح‌های توسعه روستایی است (Miranda et al, 2006:511-520; Akkaya Aslan et al, 2007: 204-213). امروزه،

یکپارچه سازی اراضی برای اطمینان از حیات اقتصادی نواحی روستایی، تسهیل مدیریت زیست محیطی، کنترل فرسایش در نواحی روستایی ضروری است (Gonzalez et al, 2004: 31-43; Sklenicka, 2006: 502-510).

یکپارچه سازی با وجود همه مزایایی که دارد فرایند اجرایی آن با موانع متعددی روبرو بوده و خواهد بود نتایج تحقیقات و تجربیات نشان می دهد که موانع متعددی پیش روی یکپارچه سازی اراضی بوده است. یکی از مهمترین موانع اجرای طرح بالا بودن هزینه ها است (Jamshidi et al, 2009: 112). بالا رفتن قیمت زمین، هزینه بالای تولید و گرانی نهاده های کشاورزی از جمله دلایلی است که کشاورزان از یکپارچه سازی اراضی چندان استقبال نمی کنند. کمبود اعتبار از دیگر موانع اجرای طرح یکپارچه سازی اراضی به حساب می آید. وجود تفاوت در دسترسی برخی از اراضی به جاده ها و منابع آبی، باعث می شود که تعویض اراضی و یکپارچه کردن آن ها با مشکلات زیادی همراه باشد (Vitikainen, 2004).

نتایج تحقیق گریوسکی (2005) در مقدونیه نیز نشان می دهد که پراکندگی زیاد اراضی و دور بودن قطعات زمین از یکدیگر و افزایش هزینه های تولید، تأسیس تعاونی های روستایی و حمایت های فنی دولت عوامل عمده پذیرش یکپارچه سازی اراضی در مقدونیه می باشد. کواندوا (2006) در تحقیقش نتیجه می گیرد موانع اصلی یکپارچه سازی، پایین بودن سرعت اجرای پروژه های یکپارچه سازی، ضعف عملکرد در تخصیص تسهیلات مالی به سطوح محلی، نبود آمار و اطلاعات دقیق در مورد شرایط و کیفیت اراضی و علاقه و احساس تعلق کشاورزان به مالکیت اراضی می باشد و تنها در صورتی می توان طرح یکپارچه سازی را اجرا کرد در کشاورز احساس تعلق ایجاد شود. ساندکویست و آندرسون (2006) یکی از موانع اصلی یکپارچه سازی را عدم شناخت مزایای آن از طرف کشاورزان می داند و نتیجه می گیرد که سیاستگذار باید دقیقاً برای کشاورزان توجیه کند که چرا اراضی خرد از نظر بکارگیری نیروی کار، دستیابی به اعتبارات و بازار محصولات کارایی ندارند. تحقیقات گنزالس گارسیا (2007) در اسپانیا نشان می دهد که برنامه های یکپارچه سازی گامی در جهت بهبود کارایی نیروی کار و بهره وری بهینه از اراضی زراعی می باشد. افزایش آگاهی کشاورزان در مورد نتایج اقتصادی و اجتماعی یکپارچه سازی اراضی، انتقال اطلاعات مفید به کشاورزان توسط مروجین و برنامه های حمایتی دولت عوامل مؤثر در پذیرش یکپارچه سازی هستند. در تحقیقی که یو و همکاران (2010) در چین درباره یکپارچه سازی اراضی کشاورزی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که یکپارچه سازی اراضی باعث شده اکوسیستم طبیعی، محیطی و وضعیت اجتماعی، اقتصادی روستاییان بهبود یابد. نتایج تحقیقات پرفکتو و واندر میر (2010) بیانگر آنست که نبود زیربنای کافی در بخش کشاورزی، ناتوانی های نظام های خرد و دهقانی در موارد مختلف و از جمله در پس انداز و سرمایه گذاری و استفاده از تکنولوژی های جدید یکپارچه سازی اراضی را با موانع بیشتری روبرو کرده اند. مطالعات دیمیتریوس و همکاران (2012) عوامل اجتماعی از قبیل برابری، منافع اجتماعی، نگرش، فرهنگ، ارزش های عاطفی اخلاقی، ساختار جدید مالکیت، تغییر و بهبود شرایط زندگی را از جمله مهمترین عوامل اجتماعی در مناطق روستایی می داند که غفلت از آن ها موجب به وجود آمدن آسیب های اجتماعی جبران ناپذیری می شود. (۱۳۷۹) با مطالعه ای تحت عنوان "پراکندگی اراضی در استان فارس، آثار و علت ها" در شهرستان فسا در استان فارس نشان داد که مهمترین دلایل مخالفت با یکپارچه سازی اراضی را داشتن زمین های وسیع و قطعات بزرگ، پیشینه ذهنی منفی نسبت به سیاست های دولتی در خصوص زمین های کشاورزی و عدم اطمینان از حسن اجرای طرح بیان نموده است. مطالعه میرزایی و همکاران (۱۳۸۳) بی اهمیت بودن نحوه اجرا، تعلق خاطر شدید به زمین، نبود فرصت های شغلی، بالا بودن سطح بی اعتمادی، آگاهی نداشتن مردم به دلیل نبود اطلاع رسانی و نحوه اجرا را از مهمترین دلایل مخالفت کشاورزان با اجرای طرح یکپارچه سازی بیان می کند. تحقیق خرمی (۱۳۸۴) نشان داده است که رشد جمعیت، اثر، تردیدها و نابرابری ها نسبت به نحوه اجرا و پیامد ناشی از اجرای طرح، نایکسانی مرغوبیت زمین مورد بهره برداری، اختلاف فامیلی و سلیقه ای، عدم آمادگی فرهنگی و مشکلات اجتماعی و اقتصادی عوامل مؤثر در عدم یکپارچگی اراضی به حساب می آیند. مطالعه احمدی و امینی (۱۳۸۷) با هدف بررسی موانع و مشکلات پیشبرد یکپارچه سازی اراضی در شهرستان کرمانشاه و منطقه لنجات استان اصفهان نشان می دهد که در دو منطقه مورد مطالعه، ناآگاهی صاحبان زمین های زراعی، نامناسب بودن روش های تکنیکی اجرای طرح ها و لزوم قوانین روشن در ارتباط با یکپارچه سازی اراضی عمده ترین موانع پیشبرد این فرآیند است. روستا و تیموری (۱۳۸۸) اولویت بندی عوامل بازدارنده اجرای طرح یکپارچه سازی اراضی در استان خراسان جنوبی، شهرستان درمیان را بررسی نمودند و نتیجه گرفتند که عامل اجتماعی در شهرستان درمیان، اصلی ترین عامل بازدارنده اجرای طرح یکپارچه سازی اراضی بوده و عوامل فرهنگی، اقتصادی و ساختاری در اولویت های بعدی قرار گرفتند. هجرتی و افشاری (۱۳۸۹) نقش مالکیت های اراضی در توسعه روستایی دهستان پایین رخ تربت

حیدریه را بررسی نمودند نتایج آن‌ها نشان داد بزرگ بودن اراضی کشاورزی هرچند باعث افزایش بهره‌وری در واحد سطح خواهد شد اما روستاییان خرده‌پا علاقه‌ای نسبت به ساماندهی نداشته و آن را موجب بیکاری دانسته‌اند و شیوه کشت سنتی را به کشت نوین ترجیح داده‌اند. قدیمی و همکاران (۱۳۹۱) تاکید می‌کنند که کشاورزان تمایل کمی به یکپارچه‌سازی زمین‌هایشان دارند و به شرط یکپارچه‌سازی موقتی، ترجیح می‌دهند با افراد آشنا و فامیل مشارکت داشته باشند. این شرایط معمولاً برای اکثر کشاورزان و اراضی کشاورزی پراکنده به راحتی مهیا نیست. حقیقت و همکاران (۱۳۹۲) موانع پذیرش طرح یکپارچه‌سازی اراضی از دیدگاه کشاورزان استان فارس را بررسی نمودند و بر اساس نتایج حاصل از تحلیل عاملی، موانع اثرگذار بر پذیرش طرح یکپارچه‌سازی اراضی را در ۴ عامل زراعی، اجرایی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی دسته‌بندی کردند که در مجموع این عوامل ۶۶/۱۲۸ درصد از واریانس کل را تبیین نموده‌اند. نتایج تحقیق ظریفیان و همکاران (۱۳۹۲) نشان داد که کشاورزانی که سابقه بیشتر، تعداد قطعات بیشتر، میانگین زمین زراعی کمتر و درآمد پاینتری دارند تمایل کمتری به اجرای طرح‌های یکپارچه‌سازی داشته‌اند. رضایی و همکاران (۱۳۹۳) نتیجه گرفته‌اند که موانع اصلی یکپارچه‌سازی شامل موانع اقتصادی، اجتماعی، سیاستگذاری دولتی، خانوادگی و طبیعی اراضی می‌باشند و در این میان موانع اقتصادی و موانع اجتماعی تاثیر بیشتری در ممانعت از یکپارچه‌سازی ایفا کرده‌اند. زارع نتایج تحقیق اقبالی (۱۳۹۴) نشان داد که کشاورزان تمایل کمی به یکپارچه‌سازی اراضی داشته و بیشتر تمایل به کاهش تعداد قطعات دارند و در صورت یکپارچه‌سازی تمایل دارند با گروه هم آب و خویشاوندان خود یکپارچه‌سازی نمایند.

با توجه به مطالعات انجام شده خارجی و داخلی، یکپارچه‌سازی اراضی در مناطق مختلف با موانع متعدد و متفاوتی با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی جوامع روبرو بوده است. بخشی از این موانع ناشی از عدم شناخت و آگاهی افراد جامعه کشاورزی و موانع فرهنگی و پایبندی به سنت‌های آن جامعه می‌باشد و بخش دیگر به پتانسیل و توانمندی معیشتی کشاورزان، شیوه تامین معیشت و ناتوانی آن‌ها در ریسک‌پذیری برای اجرای فرایند یکپارچه‌سازی بر می‌گردد. علاوه بر این، بخشی از نتایج مطالعات بر عدم برنامه‌ریزی‌ها و حمایت‌های بخش سیاستگذاری و اجرایی بر می‌گردد که در فراهم آوردن تسهیلات یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی به صورت موفق عمل نکرده و در نتیجه به موانع یکپارچه‌سازی دامن زده است. ویژگی‌های متفاوت قطعات اراضی کشاورزی نیز یک مانع عمده برای اجرای فرایند یکپارچه‌سازی اراضی بوده است. بنابراین هدف اصلی این پژوهش آنست که با بررسی موانع یکپارچه‌سازی در اراضی کشاورزی با توجه به واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه تحقیق به یافتن راه‌های موثری برای غلبه بر این موانع اقدام کند و به برنامه‌ریزان و مجریان جهت انجام اقدامات متناسب برای تضمین موفقیت یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی یاری رساند. در شرایط کنونی بحران کم‌آبی حاکم بر منطقه مورد مطالعه، افزایش تعداد قطعات و پراکندگی آن‌ها، قوانین ارث، خرید و فروش بی‌رویه اراضی، معضل جدیدی به نام خانه باغ، کوچک شدن مزارع و غیره انجام اکثر عملیات‌های به زراعی، مکانیزاسیون، کشاورزی حفاظتی و غیره با مشکل مواجه نموده و غیر اقتصادی بودن برنامه‌های توسعه کشاورزی را به دنبال داشته است. بنابراین توجه به تهدیدات پیش روی اراضی کشاورزی و اهمیت جلوگیری و یا کاهش سرعت خرد شدن اراضی از یک طرف و عدم موفقیت طرح‌های یکپارچه‌سازی از طرف دیگر، تحلیل موانع یکپارچه‌سازی را به منظور یافتن روش‌هایی برای کاهش خرد شدن اراضی کشاورزی در این شهرستان، ضروری می‌نماید. قلمرو مکانی تحقیق شهرستان بوکان در جنوب آذربایجان غربی بود (شکل ۱) قلمرو زمانی تحقیق از شروع طرح تحقیق و مطالعات نظری تا گردآوری و تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج آن از دیماه ۹۴ تا شهریور ماه ۹۵ بوده است. هدف اصلی تحقیق شناسایی موانع و مشکلات پیش روی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی با توجه به واقعیت‌هایی منطقه ای بود تا بتواند در راستای یافتن راه‌هایی جهت رفع موانع اساسی و توسعه کشاورزی در شهر بوکان به برنامه‌ریزی‌ها و اجرای اقدامات یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی کمک نماید.

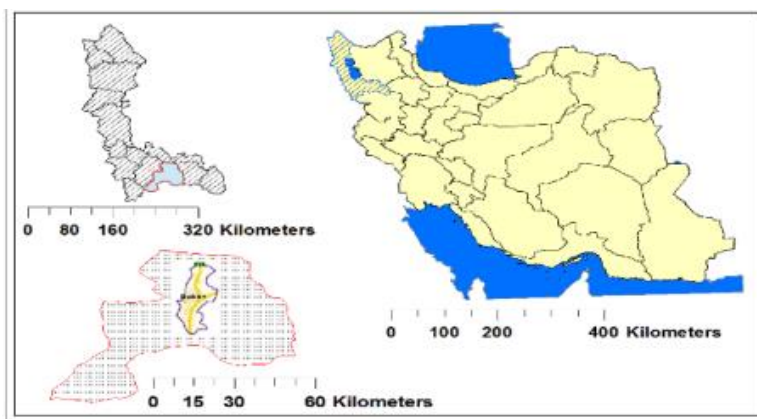
روش پژوهش

پژوهش حاضر برحسب ماهیت از نوع تحقیقات توصیفی-پیمایشی و برحسب هدف کاربردی است. از نظر جمع‌آوری داده‌ها جزو تحقیقات میدانی و به صورت مقطعی نسبت به جمع‌آوری داده‌ها اقدام شده است. جامعه آماری تحقیق کلیه بهره‌برداران شهرستان بوکان بودند. حجم نمونه به تعداد ۲۰۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران تعیین گردید. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده و به نسبت متناسب با تعداد جمعیت انتخاب شدند. بنابراین ابتدا به صورت تصادفی تعدادی از دهستان‌ها انتخاب و در

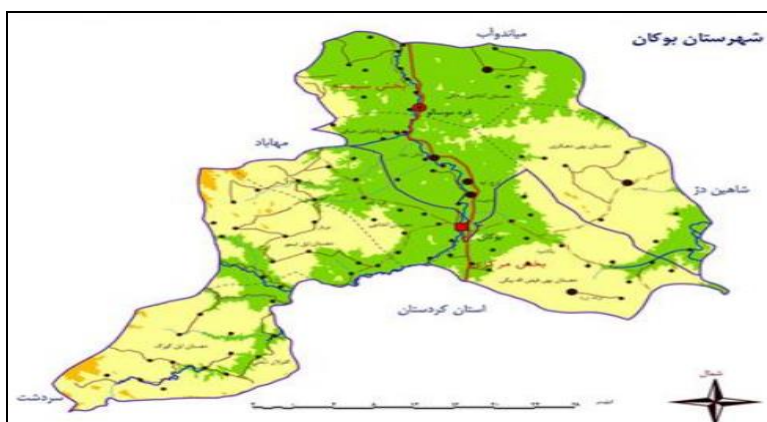
هر دهستان به نسبت متناسب و به صورت تصادفی ساده تعدادی روستا انتخاب و از بین کشاورزان به صورت تصادفی ساده، نمونه‌ها انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با استفاده پرسش‌نامه محقق ساخته انجام شد. روایی پرسش‌نامه بر اساس نظر اساتید و کارشناسان مرتبط تأیید گردید و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (۸۷ درصد)، پایایی پرسش‌نامه تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS انجام شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های از دو روش توصیفی و استنباطی استفاده شد. به منظور توصیف وضعیت موجود، از آمارهای توصیفی مانند توزیع فراوانی و درصد، میانگین، انحراف معیار استفاده شد. ضریب تغییرات جهت اولویت‌بندی گویه‌ها و به منظور تبیین موانع اصلی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی، آزمون تحلیل عاملی اکتشافی بکارگرفته شد. تحلیل عاملی از جمله روش‌های چند متغیره است که در آن متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نیست. زیرا این روش جزو تکنیک‌های به هم وابسته^۱ لحاظ گردیده و در اصل بر اساس همبستگی درونی متغیرها سعی می‌شود تا تعداد زیادی متغیر در چند عامل خلاصه شوند (Kalantari, 2008: 283). یا به عبارتی تحلیل عاملی واریانس موجود در متغیرهای مختلف را بر اساس معدودی از عوامل تبیین می‌نماید (Mansourfar, 2006: 255). هدف اصلی تحلیل عاملی تلخیص تعداد زیادی از متغیرها در تعداد محدودی از عامل‌ها می‌باشد به طوری که در این فرآیند کمترین میزان گم شدن اطلاعات وجود داشته باشد (Kalantari, 2008: 282). به منظور پی بردن به متغیرهای زیربنایی یک پدیده یا تلخیص مجموعه‌ای از داده‌ها از روش تحلیل عاملی استفاده می‌شود (Saramad et al, 1999). در این پژوهش با توجه به تعدد متغیرهای تحقیق و برای دستیابی به ابعادی که به صورت پنهانی در مجموعه وسیعی از متغیرها وجود دارد ولی به آسانی قابل مشاهده نمی‌باشند از تحلیل عاملی نوع R^2 به منظور تبیین موانع یکپارچه‌سازی شهرستان بوکان، استفاده شده‌است.

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان بوکان یکی از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی، با وسعت ۲۵۴۱۳۰۶ کیلومترمربع، حدود ۶/۵۰ درصد از سطح استان را به خود اختصاص می‌دهد دارای یک نقطه شهری، دو بخش، ۷ دهستان و ۱۸۱ آبادی دارای سکنه می‌باشد و دارای ۱۱۰ هزار هکتار اراضی زراعی آبی و دیم است. در ارتفاعی حدود ۱۰۰۰ تا بیش از ۲۰۰۰ متر از سطح دریا بوده و شیب میانگین وزنی آن ۸ درصد محاسبه گردیده‌است. از سطح شهرستان ۳۰/۳۱ درصد اراضی کوهستانی، ۲۹/۷۳ درصد تپه‌ها و ۳۹/۹۶ درصد بقیه را اراضی دشتی، سیلابی و... تشکیل می‌دهند. از نظر مختصات جغرافیایی در ۳۶ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۱۳ دقیقه طول شرقی واقع گردیده‌است. این شهرستان بر سر جاده ترانزیتی غرب و در منطقه تقریباً کوهستانی و معتدل قرار گرفته که از جهت شمال به شهرستان میاندوآب و از جنوب به شهرستان سقز در استان کردستان و از شرق به شهرستان شاهین‌دژ و از غرب با شهرستان مهاباد همسایه‌است. مرکز این شهرستان شهر بوکان است. شهر بوکان در ۳۶ درجه و ۳۱ دقیقه عرض شمالی و ۴۶ درجه و ۱۲ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف النهار گرینویچ قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریای آزاد ۱۳۷۰ متر می‌باشد. بر پایه سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت شهرستان بوکان برابر با ۲۵۱۴۰۹ نفر بوده‌است، که از این تعداد ۱۹۴۸۴۶ نفر ساکن در نقاط شهری و ۵۶۵۵۷ ساکن در نقاط روستایی می‌باشند. بوکان جزو شهرستان‌های برتر تولیدکننده گندم در کشور از لحاظ افزایش کمی و کیفی محصول شناخته شده‌است، که هر ساله توانایی تولید ۹۰ هزار تن گندم را داراست و رتبه نخست تولید گندم آذربایجان غربی را در اختیار دارد. محصولات عمده کشاورزی شهرستان بوکان گندم، جو، پنبه، حبوبات و چغندرقد است. محصولات باغی آن سیب، هلو و زردآلو، آلبالو، خیار و... است. به لحاظ داشتن مراتع فراوان و سرسبز، پرورش گوسفند، بز و گوساله در آن رواج دارد (Statistical Center of Iran, 2016).



شکل ۱. موقعیت شهرستان بوکان در کشور ایران و استان آذربایجان غربی



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهرستان بوکان

یافته‌ها و بحث

بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پرسش‌نامه، میانگین سنی پاسخگویان حدود ۴۱ سال بود. حدود ۹۲ درصد از کشاورزان مرد و ۸ درصد از آنان زن بودند. حدود ۳۷ درصد از بهره‌برداران زیردیلم بوده که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌است. حدود ۳۴ درصد تحصیلات کارشناسی داشته‌اند. میانگین سابقه کار بهره‌برداران حدود ۲۱ سال بود (جدول ۱).

جدول ۱. ویژگی‌های شخصی بهره‌برداران آن

شرح	گروه	فراوانی	درصد	میانگین	انحراف معیار
سن				۴۱	۹
جنسیت	مرد	۱۸۴	۹۲		
	زن	۱۶	۸		
میزان تحصیلات	زیردیلم	۷۵	۳۷		
	دیلم	۳۹	۱۹		
	فوق دیلم	۱۷	۸		
	لیسانس	۶۹	۳۴		
میزان سابقه کار کشاورزی	کمتر از ۴	۳	۱		
	۵-۱۵	۶۴	۳۷	۲۱	۱۰/۰۱
	۱۶-۲۵	۵۸	۳۳		
مقدار زمین در اختیار	بالاتر از ۲۵	۴۷	۲۷		
	۱ قطعه	۴۲	۲۱		
	۲ قطعه	۷۳	۳۶		
	۳ قطعه	۵۱	۲۵		
	بیشتر از ۴ قطعه	۳۴	۱۷		

به منظور بررسی اهمیت دیدگاه پاسخگویان در مورد گویه‌های مربوط به موانع یکپارچه‌سازی از آزمون ضریب تغییرات استفاده شد قابل ذکر است میانگین و ضرایب دیگر مربوط به میانگین رتبه‌ای است. نتایج اولویت بندی موانع یکپارچه سازی اراضی کشاورزی از دیدگاه بهره‌برداران، نشان داد که گویه‌های "آموزش و اطلاع رسانی ناکافی"، "عدم آموزش روش‌های مناسب یکپارچه‌سازی"، "عدم شرکت کشاورزان در کلاس‌های توجیهی باورهای سنتی جامعه در مورد اراضی رونق خرید و فروش زمین‌های کشاورزی ساختار قوانین خاص نظیر ارث و وقف تفکیک بلامانع اراضی مالکیت زمین عدم توجه به وضعیت اقتصادی روستاییان فقدان معیشت های جایگزین عدم وجود سرمایه گذاری زیر بنایی عدم مشارکت بانک‌ها عدم سرمایه گذاری مناسب در بخش کشاورزی فقدان شفافیت قوانین حمایتی دولتی عدم خود باوری و اتکا به خود کشاورزان خلا قانونی برای حفظ قطعات توسط دولت تردیدها نسبت به نحوه اجرا و پیامد ناشی از اجرای طرح نسق زراعی و قانون ارث غالب بودن اقتصاد معیشتی در روستاها عدم همکاری شرکت‌های تعاونی با کشاورزان تعدد جمعیت خانوار بهره بردار فقدان مراکز آموزشی مرتبط با مشاغل و حرف کشاورزی ضعف دانش و اطلاعات علمی بهره‌برداران عدم توانایی پرداخت هزینه‌های یکپارچه‌سازی زمین توسط کشاورزان بنیه مالی ضعیف پایین بودن سطح سواد کشاورزان عدم آشنایی با روش‌های یکپارچه‌سازی عدم وجود برنامه‌های حمایتی دولت ساختار سنتی جوامع روستایی کشاورزی معیشتی و زندگی دهقانی پراکندگی زیاد اراضی توپوگرافی و بافت خاک، شیب و موقعیت زمین عدم ایجاد زمینه تعاون و همکاری بین کشاورزان پایبندی کشاورزان به حفظ ساختار موجود یا عدم اطلاع کشاورزان از طرح یکپارچه‌سازی اراضی عدم ارتباط با خارج از روستا تبلیغات منفی توسط اطرافیان عدم راهنمایی کشاورزان توسط کارشناسان بخش کشاورزی تلاش‌های ترویجی ناکافی جهت آگاهی کشاورزان اراضی کشاورزی غیر همگون به صرفه نبودن یکپارچه‌سازی زمین از نظر نوع محصول ساختار سنتی روش‌های آبیاری مشارکت ناچیز روستاییان در طرح‌های مشابه عدم انتقال اطلاعات مفید به کشاورزان توسط مروجین خویشاوندمداری در طرح یکپارچه سازی

جدول ۲. اولویت‌بندی گویه‌های مربوط به موانع یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی

اولویت	ضریب تغییرات (C.V)	انحراف معیار	میانگین	گویه‌ها
۱	۰/۰۲۳	۰/۰۹۳	۳/۹۷	آموزش و اطلاع رسانی ناکافی
۲	۰/۰۲۳	۰/۰۹۳	۴/۰۴	عدم آموزش روش‌های مناسب یکپارچه‌سازی
۳	۰/۰۳۰	۰/۱۲۱	۴/۰۰	عدم شرکت کشاورزان در کلاس‌های توجیهی
۴	۰/۱۹۸	۰/۸۶۰	۴/۳۴	باورهای سنتی جامعه در مورد اراضی
۵	۰/۲۰۴	۰/۹۰۲	۴/۴۰	رونق خرید و فروش زمین‌های کشاورزی
۶	۰/۲۰۴	۰/۸۸۵	۴/۳۲	ساختار قوانین خاص نظیر ارث و وقف
۷	۰/۲۰۴	۰/۸۴۷	۴/۱۵	تفکیک بلامانع اراضی
۸	۰/۲۰۵	۰/۸۹۳	۴/۳۴	مالکیت زمین
۹	۰/۲۰۵	۰/۸۴۶	۴/۱۲	عدم توجه به وضعیت اقتصادی روستاییان
۱۰	۰/۲۰۶	۰/۹۰۵	۴/۳۸	فقدان معیشت های جایگزین
۱۱	۰/۲۱۰	۰/۹۰۴	۴/۲۹	عدم وجود سرمایه گذاری زیر بنایی
۱۲	۰/۲۱۲	۰/۸۸۰	۴/۱۵	عدم مشارکت بانک‌ها
۱۳	۰/۲۱۲	۰/۹۰۷	۴/۲۶	عدم سرمایه گذاری مناسب در بخش کشاورزی
۱۴	۰/۲۱۲	۰/۹۱۷	۴/۳۱	فقدان شفافیت قوانین حمایتی دولتی
۱۵	۰/۲۱۳	۰/۹۰۹	۴/۲۵	عدم خود باوری و اتکا به خود کشاورزان
۱۶	۰/۲۱۴	۰/۹۲۶	۴/۳۱	خلا قانونی برای حفظ قطعات توسط دولت
۱۷	۰/۲۱۵	۰/۹۲۴	۴/۲۹	تردیدها نسبت به نحوه اجرا و پیامد ناشی از اجرای طرح
۱۸	۰/۲۱۶	۰/۹۲۸	۴/۲۸	نسق زراعی و قانون ارث
۱۹	۰/۲۱۷	۰/۹۴۳	۴/۳۳	غالب بودن اقتصاد معیشتی در روستاها
۲۰	۰/۲۱۸	۰/۹۵۴	۴/۳۷	عدم همکاری شرکت‌های تعاونی با کشاورزان
۲۱	۰/۲۲۰	۰/۹۲۲	۴/۱۸	تعدد جمعیت خانوار بهره بردار
۲۲	۰/۲۲۳	۰/۹۳۱	۴/۱۷	فقدان مراکز آموزشی مرتبط با مشاغل و حرف کشاورزی
۲۳	۰/۲۲۴	۰/۹۳۴	۴/۱۶	ضعف دانش و اطلاعات علمی بهره‌برداران
۲۴	۰/۲۲۵	۰/۹۳۰	۴/۱۳	عدم توانایی پرداخت هزینه‌های یکپارچه‌سازی زمین توسط کشاورزان
۲۶	۰/۲۲۷	۰/۹۶۳	۴/۲۳	بنیه مالی ضعیف
۲۷	۰/۲۳۰	۰/۹۵۵	۴/۱۴	پایین بودن سطح سواد کشاورزان
۲۸	۰/۲۳۴	۱/۰۱۲	۴/۳۱	عدم آشنایی با روش‌های یکپارچه‌سازی
۲۹	۰/۲۳۴	۰/۹۸۳	۴/۲۰	عدم وجود برنامه‌های حمایتی دولت
۳۰	۰/۲۳۶	۰/۹۸۷	۴/۱۸	ساختار سنتی جوامع روستایی
۳۱	۰/۲۳۹	۰/۹۸۸	۴/۱۳	کشاورزی معیشتی و زندگی دهقانی
۳۲	۰/۲۴۰	۱/۰۰۱	۴/۱۶	پراکندگی زیاد اراضی
۳۳	۰/۲۴۱	۱/۰۰۱	۴/۱۵	توپوگرافی و بافت خاک، شیب و موقعیت زمین
۳۴	۰/۲۴۴	۱/۰۱۲	۴/۱۴	عدم ایجاد زمینه تعاون و همکاری بین کشاورزان
۳۵	۰/۲۴۸	۱/۰۵۸	۴/۲۵	پایبندی کشاورزان به حفظ ساختار موجود
۳۶	۰/۲۵۱	۱/۰۵۵	۴/۱۹	یا عدم اطلاع کشاورزان از طرح یکپارچه‌سازی اراضی
۳۷	۰/۲۵۳	۱/۰۵۰	۴/۱۵	عدم ارتباط با خارج از روستا
۳۸	۰/۲۵۷	۱/۰۸۳	۴/۲۱	تبلیغات منفی توسط اطرافیان
۳۹	۰/۲۶۰	۱/۰۷۵	۴/۱۳	عدم راهنمایی کشاورزان توسط کارشناسان بخش کشاورزی
۴۰	۰/۲۶۲	۱/۰۷۰	۴/۰۸	تلاش‌های ترویجی ناکافی جهت آگاهی کشاورزان
۴۱	۰/۲۶۶	۱/۰۶۳	۳/۹۹	اراضی کشاورزی غیر همگون
۴۲	۰/۲۶۸	۱/۰۶۷	۳/۹۸	به صرفه نبودن یکپارچه‌سازی زمین از نظر نوع محصول
۴۳	۰/۲۶۹	۱/۰۲۹	۳/۸۲	ساختار سنتی روش‌های آبیاری
۴۴	۰/۲۷۳	۱/۱۳۷	۴/۱۶	مشارکت ناچیز روستاییان در طرح‌های مشابه
۴۵	۰/۲۸۰	۱/۱۰۲	۳/۹۳	عدم انتقال اطلاعات مفید به کشاورزان توسط مروجین
۴۶	۰/۳۱۰	۱/۲۵۳	۴/۰۴	خویشاوندمداری در طرح یکپارچه سازی

طیف لیکرت (خیلی کم = ۱ کم = ۲ متوسط = ۳ زیاد = ۴ خیلی زیاد = ۵)

به منظور دسته بندی و تبیین موانع اصلی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی، از تحلیل عاملی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که مقدار KMO حاصل برابر با ۰/۸۴۲ و مقدار بار تلت برابر ۳۱۱۴/۸۵ بدست آمد که در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بوده و بیانگر وضعیت مناسب داده‌ها برای ورود به آزمون تحلیل عاملی بود (جدول ۳).

جدول ۳. آماره KMO و نتایج آزمون بار تلت

شاخص KMO	آزمون بار تلت	درجه آزادی	سطح معنی‌داری بار تلت
۰/۸۴۲	۴/۶۶	۱۲۳۵	۰/۰۰۰

یافته‌های اولیه نشان داد که مقدار ویژه برای تعداد ۹ عامل بالاتر از یک بود و طبق ملاک کیسر می‌توان متغیرهای مربوط به موانع یکپارچه سازی کشاورزی را در ۹ عامل که ۸۳/۸۷ درصد واریانس مورد نظر را تبیین می‌کردند طبقه بندی نمود. اما از آنجا که تفکیک متغیرهای معنی دار در ۹ عامل بسیار پراکنده و انتساب نام برای تمام عامل‌ها با توجه به تشابهی که با هم داشتند مشکل بود و نیز عامل‌های انتهایی گاه تنها یک گویه را شامل می‌شدند، تعداد عامل‌ها با توجه به مدل مفهومی و مطالعات پیشین توسط محققین در محیط نرم افزار، ۶ عامل تعیین شد. با در نظر گرفتن بارهای عاملی بزرگتر از ۰/۵ به عنوان مبنای معنی دار بودن متغیرها برای ورود به عوامل، پس از انجام چرخش عاملی، ۶ عامل استخراج گردید. در مجموع ۶ عامل استخراج شده جمعاً حدود ۷۳ درصد از واریانس مربوط به موانع یکپارچه سازی اراضی کشاورزی را تبیین کردند (جدول ۴).

جدول ۴. عوامل استخراج شده همراه با مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد تجمعی واریانس آن‌ها

ردیف	عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	مانع فرهنگی	۸/۳۴۴	۱۶/۶۸۹	۱۶/۶۸۹
۲	مانع اجتماعی - مشارکتی	۷/۴۷۲	۱۴/۹۴۴	۳۱/۶۳۳
۳	مانع آموزشی	۶/۸۹۳	۱۳/۷۷۶	۴۵/۴۰۹
۴	مانع اقتصادی	۵/۸۸۲	۱۱/۷۶۴	۵۷/۱۷۳
۵	مانع قانونی و سیاستگذاری	۴/۰۹۸	۸/۱۹۶	۶۵/۳۶۹
۶	مانع ساختاری (توپوگرافی)	۳/۸۱۳	۷/۶۲۶	۷۲/۹۹۵

مشخصه ویژه که در واقع، مجموع مجذورات بارهای عاملی هر عامل است، واریانس تبیین شده از طریق آن عامل را نشان می‌دهد. این مقدار از کل واریانس، ریشه مشخصه یا ارزش ویژه عامل است که هرچه ارزش ویژه یک عامل بیشتر باشد، آن عامل مقدار بیشتری از واریانس را تبیین می‌کند. در میان ۶ عامل استخراج شده، عامل اول حدود ۱۷ درصد از واریانس را توضیح می‌دهد که این امر بیانگر اهمیت عامل اول نسبت به سایر عامل در تبیین موانع از یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی است و عامل‌های بعدی نیز بترتیب عامل دوم ۱۵ درصد، عامل سوم ۱۴ درصد، عامل چهارم ۱۲ درصد، عامل پنجم ۸ درصد و عامل ششم ۷/۵۶ درصد از واریانس را محاسبه و توضیح می‌دهند (جدول ۴). در ادامه نتایج تحلیل عاملی نشان داد پس از انجام چرخش عاملی، بر مبنای توزیع متغیرها در عامل‌های مناسب، با توجه به ماهیت و محتوای گویه‌ها، نسبت به انتساب نام مناسب برای هر یک از عامل‌ها اقدام شد. وضعیت قرارگرفتن متغیرها در عوامل و مقدار بار عاملی آن‌ها با عامل مربوطه، بر اساس نتایج حاصل از چرخش عامل‌ها و نامگذاری عامل‌ها به شرح جدول (۵) می‌باشد.

جدول ۵. عامل‌ها و متغیرهای توزیع شده در هر عامل همراه با بار عاملی متغیرها

عامل	متغیر	ضریب
موانع فرهنگی	باورهای سنتی جامعه در مورد اراضی	۰/۶۶۷
	عدم خود باوری و اتکا به خود کشاورزان	۰/۵۵۰
	کشاورزی معیشتی و زندگی دهقانی و.....	۰/۶۳۰
	پایبندی کشاورزان به حفظ ساختار موجود	۰/۵۸۰
	خویشاوندمداری در طرح یکپارچه سازی	۰/۷۰۶
	عدم شرکت کشاورزان در کلاس‌های توجیهی	۰/۶۵۴
	تبلیغات منفی توسط اطرافیان	۰/۶۴۹
موانع اجتماعی _ مشارکتی	مشارکت اندک روستاییان در طرح‌های مشابه	۰/۵۳۳
	تردیدها نسبت به نحوه اجرا و پیامد ناشی از اجرای طرح	۰/۵۸۸
	عدم همکاری شرکت‌های تعاونی با کشاورزان	۰/۶۴۴
	عدم راهنمایی کشاورزان توسط کارشناسان بخش کشاورزی	۰/۷۵۷
	عدم ایجاد زمینه مناسب تعاون و همکاری بین کشاورزان	۰/۶۳۲
	پایبندی کشاورزان به حفظ ساختار موجود	۰/۶۲۱
	آموزش و اطلاع رسانی ناکافی	۰/۵۳۳
موانع سوم: موانع آموزشی	عدم آموزش روش‌های مناسب یکپارچه‌سازی	۰/۵۵۳
	ضعف دانش و اطلاعات علمی بهره‌برداران	۰/۶۱۱
	پایین بودن سطح سواد کشاورزان	۰/۶۶۷
	عدم آشنایی با روش‌ها یکپارچه‌سازی	۰/۶۵۲
	عدم انتقال اطلاعات مفید به کشاورزان توسط مروجین	۰/۶۲۹
	عدم توجه به وضعیت اقتصادی روستاییان	۰/۵۰۸
موانع چهارم: موانع اقتصادی	فقدان معیشت‌های جایگزین	۰/۶۳۶
	عدم وجود سرمایه گذاری زیر بنایی	۰/۶۲۸
	عدم مشارکت بانک‌ها	۰/۶۷۹
	غالب بودن اقتصاد معیشتی در روستاها	۰/۵۹۹
	عدم توانایی پرداخت هزینه‌های یکپارچه‌سازی زمین توسط کشاورزان	۰/۶۴۸
	بنیه مالی ضعیف	۰/۵۰۲
موانع پنجم: موانع قانونی و سیاستگذاری	ساختار قوانین خاص نظیر ارث و وقف	۰/۵۱۸
	تفکیک بلامانع اراضی	۰/۵۵۶
	فقدان شفافیت قوانین حمایتی دولتی	۰/۵۷۹
	خلأ قانونی حفظ قطعات توسط دولت	۰/۵۱۹
	عدم سرمایه گذاری مناسب در بخش کشاورزی	۰/۵۴۸
	عدم وجود برنامه‌های حمایتی دولت	۰/۵۸۰
موانع ششم: موانع ساختاری (توپوگرافی)	پراکندگی زیاد اراضی	۰/۵۶۰
	توپوگرافی و بافت خاک، موقعیت و شیب زمین	۰/۶۶۵
	اراضی کشاورزی غیر همگون	۰/۵۸۷
	ساختار سنتی روش‌های آبیاری	۰/۵۰۳

عامل اول که با توجه به توزیع متغیرهای تبیین کننده، موانع فرهنگی نامگذاری شد، بیانگر آنست که پایبندی کشاورزان به حفظ ساختار موجود، عدم ارتباط با خارج از روستا، کشاورزی معیشتی و زندگی دهقانی، مخالفت و یا عدم اطلاع کشاورزان از اجرای طرح یکپارچه‌سازی اراضی، باورهای سنتی جامعه در مورد اراضی، عدم خود باوری و اتکا به خودکشاورزان، تبلیغات منفی توسط اطرافیان، عدم بکارگیری اصول یکپارچه‌سازی توسط کشاورزان، مشارکت ناچیز روستاییان در طرح‌های مشابه و خویشاوندمداری در طرح یکپارچه‌سازی مهمترین موانع یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در شهرستان بوکان می باشد. نتایج تحقیق با نتایج شیردل و همکاران (Shirdel et al, 2012) که عامل اجتماعی، فرهنگی و ساختاری را به عنوان اصلی ترین عامل بازدارنده اجرای طرح یکپارچه‌سازی، آشکار آهنگرکلایی و همکاران (Ashkar ahangar kalaie et al, 2006) و اقبالی (Eghbali, 2015)، که اصلی ترین عوامل محدود کننده طرح یکپارچه‌سازی اراضی را عوامل فرهنگی (سطح سواد، باورهای سنتی) و عامل اجتماعی (مالکیت) بیان نموده اند، مطابقت دارد.

موانع اجتماعی - مشارکتی که شامل گویه‌های مشارکت ناچیز روستاییان در طرح‌های مشابه، تردیدها و نابرابری‌ها نسبت به نحوه اجرا و پیامد ناشی از اجرای طرح، عدم همکاری شرکت‌های تعاونی با کشاورزان، عدم راهنمایی کشاورزان توسط کارشناسان بخش کشاورزی، عدم ایجاد زمینه مناسب تعاون و همکاری بین کشاورزان دومین دسته از موانع مهم یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی بوده است. سطح بالایی از بی‌اعتمادی نسبت به اجرای طرح و حتی مجریان طرح وجود دارد. آن‌ها میزان زیادی از این بی‌اعتمادی را ناشی از تجربه‌های ناخوشایند گذشته می‌دانند که همین مسئله تردیدهای زیادی را در بین آن‌ها ایجاد کرده است. نتایج تحقیق اقبالی (۱۳۹۴) خرمی (۱۳۸۵) روستا و تیموری (۱۳۸۸) و دمیتزیوس (۲۰۱۲) این نتایج را مورد تایید قرار می‌دهند. عامل سوم با توجه به نحوه توزیع متغیرها به نام موانع آموزشی نامگذاری شد که بیانگر آموزش و اطلاع رسانی ناکافی در مورد طرح یکپارچه‌سازی و عدم آموزش کشاورزان و ضعف دانش و اطلاعات علمی بهره‌برداران و عدم آشنایی با روش‌ها یکپارچه‌سازی می‌باشد که به عنوان یک مانع عمده یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی به حساب می‌آید. نتایج تحقیقات آشکارا هنگر کلایی و همکاران (۱۳۸۵) و گنزالس گارسیا (۲۰۰۷) این یافته‌ها را تایید می‌کنند.

عامل چهارم که به نام موانع اقتصادی نامگذاری شد بیانگر آنست که عدم توجه به وضعیت اقتصادی روستاییان عدم وجود سرمایه گذاری زیربنایی در بخش کشاورزی، عدم توانایی پرداخت هزینه‌های یکپارچه‌سازی زمین توسط کشاورزان، مشارکت نامناسب بانک‌ها، بنیه مالی ضعیف از موانع مهم یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی به حساب می‌آیند. مطابق تحقیقات شیردل و همکاران (۱۳۹۱) و کریسنت و همکاران (۲۰۰۲) نیز عامل اقتصادی یکی از موانع بازدارنده یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی بشمار می‌رود. عامل پنجم با توجه به پراکنش نوع متغیرهای آن، موانع قانونی و سیاستی نامیده شد که نشان داد که تفکیک بلامانع اراضی، فقدان شفافیت قوانین حمایتی دولتی، وجود ساختار قوانین خاص نظیر ارث و وقف، بکار نداشتن سیاست‌های مناسب، نبود خط مشی مناسب برای حفظ قطعات توسط دولت و خلأ قانونی، عدم وجود برنامه‌های حمایتی دولت مانعی با اهمیت در یکپارچه‌سازی اراضی است. به عبارتی نتایج بیانگر آن است برنامه‌ریزی جامع و اصولی برای فراگیر کردن طرح یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی در شهرستان وجود ندارد. ارائه برنامه هدفمند و جامع برای اجرای این طرح الزامی است و بدون برنامه‌ریزی اجرای آن امکانپذیر نخواهد بود. همچنین در مطالعات گنزالس گارسیا (۲۰۰۷)، هرزوغ و گوتش (۱۹۹۸)، پرفکتو و واندر میر (۲۰۱۰). عدم برنامه‌های حمایتی دولت بعنوان یکی از موانع مؤثر در پذیرش یکپارچه‌سازی از سوی بهره‌برداران تأکید شده است. مانع ششم با توجه به توزیع متغیرهای مبین آن، موانع ساختاری (توپوگرافی) نامگذاری شد. که نشان می‌دهد ساختار طبیعی اراضی کشاورزی یکی از موانع مهم و تأثیرگذار بوده است. زمین‌های کشاورزی، از خیلی جوانب با یکدیگر تفاوت دارند. مهمترین تفاوت زمین‌ها از دید مخالفان - که عاملی بر تمایل نداشتن آنان به مشارکت در طرح‌ها بوده است - کیفیت متفاوت زمین‌ها از نظر میزان حاصلخیزی، کیفیت خاک، سطح مکانیزه کردن است که به نظر کشاورزان، مجریان این تفاوت‌ها را لحاظ نکرده‌اند.

نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان داد که ۹۲ درصد از پاسخگویان مرد هستند که بیانگر آن است بخش عمده متصدیان تولید در کشاورزی بوکان را مردان تشکیل می‌دهند میانگین سن کشاورزان ۴۱ سال بود اگر چه نسبتاً مناسب است اما نشان می‌دهد که بخش کشاورزی به دلیل ریسک‌های متعدده، سختی کار و نیز سیاست‌های کم‌ثبات، نتوانسته نیروی کار جوان را به خود جذب نماید و این امر در دراز مدت به پایداری تولید و اشتغال در بخش کشاورزی منطقه لطماتی وارد خواهد کرد. بر اساس نتایج کشاورزان بوکانی از سطح سواد نسبتاً پایینی برخوردارند، حدود ۳۷ درصد از بهره‌برداران زیردبیلیم بوده که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است، این مسئله یک هشدار برای برای پذیرش ریسک یکپارچه‌سازی و چشم‌انداز توسعه کشاورزی شهرستان خواهد بود و بیانگر آنست که بخش کشاورزی بوکان در جذب فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی به فعالیت‌های تولیدی عملکرد مناسبی نداشته است. نتایج اولویت بندی موانع یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی از دیدگاه بهره‌برداران، نشان داد که ضعف آموزش و اطلاع رسانی در مورد یکپارچه‌سازی و روش‌های مناسب اجرای آن از موانع عمده یکپارچه‌سازی به حساب می‌آید که این مسئله که با عدم شرکت کشاورزان در کلاس‌های توجیهی یکپارچه‌سازی و حاکم بودن باورهای سنتی تعلق به اراضی کشاورزی ممانعت بیشتر کشاورزان را نسبت به یکپارچه‌سازی دامن زده است.

نتایج اصلی به دست آمده از تحقیق نشان داد که موانع فرهنگی، موانع اجتماعی- مشارکتی، موانع آموزشی، موانع اقتصادی، موانع قانونی و سیاستی و موانع ساختاری به عنوان اصلی ترین موانع یکپارچه سازی اراضی کشاورزی در شهرستان بوکان هستند. بنابراین با استناد به نتایج تحقیق، پیشنهادهای زیر به تفصیل ارائه می شود:

- آگاه سازی بهره برداران بخش کشاورزی از طرح یکپارچه سازی اراضی کشاورزی و اهمیت آن، از طریق شرکت در کلاس های آموزشی ترویجی، در ایجاد تمایل کشاورزان به اجرای طرح یکپارچه سازی اراضی موثر است. لذا دولت (سازمان های ترویجی بخش کشاورزی) بایستی به صورت تسهیلگر ظاهر شود و سطح آگاهی و اطلاعات کشاورزان را افزایش دهد تا اینکه کشاورزان شخصا توجیه شده و برای یکپارچه سازی زمین هایشان اهتمام ورزند. فرهنگ سازی و آموزش صحیح و اطلاع رسانی کافی به کشاورزان در مورد مزایای طرح یکپارچه سازی اراضی باید مورد توجه کانون های تصمیم گیری و اجرایی واقع گردد. فرهنگ سازی، اطلاع رسانی و آموزش کافی به کشاورزان موجب تسریع در اجرای طرح راهبردی یکپارچه سازی اراضی می شود.

- مشارکت کشاورزان در اجرای طرح یکپارچه سازی اراضی عامل اصلی موفقیت در این طرح است و بدون تلاش برای جذب مشارکت کشاورزان فرایند یکپارچه سازی ضمانت اجرایی و موفقیت نخواهد داشت. اگر از طرح ها و ساختارهای مشارکتی کشاورزان در زمینه یکپارچه سازی اراضی حمایت گردد و وظیفه دست اندرکاران ارائه راه حل های علمی و تسهیلگری باشد، مطمئنا کشاورزان بهترین راه حل را ارائه می دهند و مسئله یکپارچگی اراضی با سرعت بیشتری پیش می رود.

- با توجه به ساختار اراضی، کشاورزان توان تولید پایین و هزینه تولید بالایی دارند و از نظر معیشتی وضعیت مناسبی ندارند بنابراین به راحتی قدرت ریسک اقتصادی برای اجرای یکپارچه سازی را ندارند. لذا ضروری است سیاست هایی در جهت حمایت دولت برای مشارکت در یکپارچه سازی اراضی تدوین و اجرا شود و با توجه به وضعیت اقتصادی روستاییان تسهیلات لازم برای ایجاد قدرت اقتصادی اجرای یکپارچه سازی اراضی را در اختیار آنان قرار دهند. تنها راه حفظ و عملیاتی شدن طرح یکپارچه سازی اراضی این است که بخشی از هزینه های این طرح از سوی دولت تامین شود.

- یکپارچه سازی بایستی با پشتوانه قانونی و علمی همراه گردد و اجرای آن مستلزم توجیه لازم در سطوح قانونگذاری است. بنابراین تأکید عمده مسئولین و کارشناسان بخش کشاورزی باید بر مسایلی مانند ارث و خرید و فروش اراضی در قطعات کوچک باشد که دایما بر مسأله خرد و پراکنده بودن اراضی زراعی دامن زده و می زنند. مسئله ارث با توجه به بعد خانوار، فرا رسیدن دوره فوت کشاورز مالک، و ابعاد مذهبی آن از مهمترین عامل تقطیع اراضی در این شهرستان محسوب می شود. بنابراین بایستی با بهره گیری از روشهای گوناگون ضمن روشن نمودن ابعاد مسأله و جلب مساعدت فقها و مراجع حقوقی روش های که نیازمند توجه قانونی و همه جانبه است مورد توجه قرار گیرند و از جانب دیگر تلاش اجتماعی- فرهنگی مستمری را در ایجاد بستر مناسب برای پذیرش از سوی کشاورزان صورت گیرد تا از خرد شدن بیشتر اراضی جلوگیری شود.

- تدوین قوانین خرید و فروش سختگیرانه و با ضمانت اجرایی مناسب برای اراضی زراعی موروثی، به ویژه در قطعات کوچک جهت احداث خانه باغ ها می تواند از خرد شدن بیشتر اراضی جلوگیری کرده و از این عامل در امر یکپارچه سازی بهره گرفت.

References

- Ahmadi, A., & Amini, A. (2008). Factors affecting requests for land consolidation projects in the opinions of experts in Kermanshah and Lenjanat Region in Isfahan. *Journal of Agricultural Sciences and Technology*, 11 (42), 283-296. (In Persian)
- Akkaya Aslan, T. S., Gundogdu, S. K., Yaslioglu, E., Kirmikil, M., & Arici, I. (2007). Personal, physical and socioeconomic factors affecting farmer's adoption of land consolidation. *Spanish Journal of Agricultural Research*, 5 (2), 204-213.
- Amirnejad, H., & Rafei, H. (2009). Economic and financial integration of rural areas lie in the plains of Mazandaran. *Journal of Rural Development*, 12 (4), 99-123. (In Persian)
- Ashkar ahangar kalaie, M., Asadpour, H., & Alipour, A. (2006). Attitudes of farmers to plan for integration of paddy Mazandaran (Case Study: Glyrd Village of Joibar County), *Agricultural Economics and Development*, 14 (55), 135-153. (In Persian)
- Ashrafi, M., Mehrbanian, E., & Ahmadpour Kakhki, A. (2006). Investigating the system of micro and peasant utilization in Iranian agriculture: bottlenecks, policies and supportive

- strategies. Deputy of Ministry of Agricultural Utilities. *Sixth Iranian Agriculture Economics Conference*. (In Persian)
- Crecente, R., Alvarez, C., & Fra, U. (2002). Economic, social and environmental impact of land consolidation in Galicia. *Land Use Policy*, 19, 135-147.
- Demetrious, D., Stillwell, J., & See, L. (2012). Land consolidation in Cyprus: Why is an integrated planning and decision support system required? *Land Use Policy*, 29 (1), 131-142.
- Eghbali, J. (2015). Barriers to agricultural land integration in rashmobo shomali (Buin Miyandasht County). *National Conference on Perspective of Sustainable Rural Development in the Sixth Development Plan*, University of Tehran, February 15, 2015. (In Persian)
- Einali, J., Farahani, H., & Sohrabi Vafa, S. (2013). Evaluation of the role of agricultural land integration in improving production in the water exploitation of Khararod village in 10. Khodabandeh city. *Quarterly Journal of Rural Space and Rural Development*, 2 (1). 51-69. (In Persian)
- Gergievsk, k. (2005). Land consolidation as one of the modes for the enlargement of agricultural land in Macedonia. *Journal Central European Agriculture*, 6 (4), 562-574.
- Ghadimi, S. A., Esahaghi, S. R., Nasrabadi, P., & Azami, M. (2012). Investigating the reasons for non-adoption of land consolidation plan and providing solutions for agricultural land integration (Case Study: Village Zayandeh Rude Shomali, Frieden County). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 42 (4). 675-661. (In Persian)
- Gonzales Garcia, I. (2007). Land consolidation in Spain: The land registry perspective. *UNECE WPLA Workshop, 24th-25th May, Munich*. Available on: <http://www.registradores.org>.
- Gonzalez, X. P., Alvarez, C. J., & Crecente, R. (2004). Evaluation of land distributions with joint regard to plot size and shape. *Agricultural Systems*, 82 (1), 31-43.
- Hadipour, M., & Lasmipour, R. (2015). Socioeconomic implications of agricultural land integration and its role on rural development, *National Conference on Sustainable Rural Development Perspective, Sixth Development Plan*, University of Tehran. (In Persian)
- Haghighat, M. S., Iravani, H., Kalantari, Kh. & Ghdimi, S. A. (2013). Analysis of barriers to adoption of land Consolidation Plan from Fars Province farmers' perspective. *Agricultural Extension and Education Researches*, 6 (1), 110-97. (In Persian)
- Herzog, F., & Gotsch, N. (1998). Assessing the sustainability of smallholder tree crop production in the tropice: *A Methodlogical Outline Journal of Sustainable Agriculture*, 11 (4), 13-37.
- Hjrati, M. H., & Afshari, M. (2010). The role of land ownership in rural evelopment (Case Study: Rostan-e-Bazar Torbat Heydarieh). *Quarterly Journal of Human Geography*, 3 (1). 123-136. (In Persian)
- Jamshidi, A. R., Teimori, M., & Rosta, K. (2009). Factors affecting on the participation of farmers in making schemes land consolidation Ilam province (Case study SHirvan CHardaval city). *Journal of Rural and Development*, 12 (1), 109-127. (In Persian)
- Jawan, J., & Sabounchi, Z. (2012). Investigating the factors affecting breakdown and challenges on agricultural land integration (Case Study: Neishabour Plain). *Geographical Studies in Arid Areas*, 2 (8), 1-19. (In Persian)
- Kalantari, Kh. (2008) *Prossesing and data analysis in social-economic research*. Tehran: Saba culture publications. (In Persian)
- Kalantari, Kh., Hoseini, M., & Abdollah zadeh, Gh. (2005). Reorganization and integration oagricultural land use practices in Eastern Europe. *Journal of Rural and Development*, 8 (3), 67-104. (In Persian)
- Khorami, M. (2006). *The effects of integration on the development of agricultural lands, agricultural villages in Kermanshah Province (Case study: rural village of Hassan Abad Ravansar)*. Master's thesis, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran. (In Persian)
- Kovandova, M. (2006). Could the land consolidation process be ane tool for nature and environmental protection in the Czech Republic? *Shaping the Change, XXIII FIG Congress. Munich, Germany, October 8-13, Web site: www.la-ma.cz*.

- Lisec, A., & Pintar M. (2005). Conservation of natural ecosystems by land consolidation in the rural landscape. *Acta Agricultural Slovenica*, 85 (1), 73-82.
- Mansourfar, K. (2006). *Advanced Statistical Methods; Using Applied Software*. Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Miranda, D., Crecente, R., & Alvarez, M. F. (2006). Land consolidation in inland rural Galicia, N.W. Spain, since 1950: an example of the formulation and use of questions, criteria and indicators for evaluation of rural development policies. *Land Use Policy*, 23 (4), 511-520.
- Mirzaei, H., Taleb, M., & Kakpour M. (2005). Rooting of the reasons for the farmers in the Khuzestan region, agreeing to participate in land consolidation projects (Case study: Selected villages in Bokan County). *Human Geography Research*, 47 (2), 337-349. (In Persian)
- Mohammadi Yeganeh, B., & Nabati, A. (2013). Analysis of agricultural development barriers in rural areas using analytical hierarchy. *Journal of Geographical Space Research, Islamic Azad University of Ahar*, 13 (44), 135-152. (In Persian)
- Perfecto, I., & Vandermeer, J. (2010). The agroecological matrix as alternative to the landsparing/ agriculture intensification model. *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 107 (13), 5786-5791.
- Rezaei, A., Rashidpour, L., & Rasouli Azar, S. (2004). *Analysis of barriers to failure in agricultural land consolidation (Case Study: Urmia county)*. Master's thesis. Agricultural Management Department, Islamic Azad University, Mahabad Branch. (In Persian)
- Roknedin Eftekhari, A.R. (2003). *Agricultural Development (concepts, principles, methods, planning the integration of agricultural land)*. Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Roosta, K., & Timuri, M. (2009). Prioritizing the barriers to implementation of land consolidation plan in South Khorasan Province (Case Study: Darmian City). *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, 2 (40), 153-145. (In Persian)
- Saramad, Z., Bazargan, A., & Hejazi, E. (1999). *Research Methods in Behavioral Sciences*. Aagah Publishing Tehran. (In Persian)
- Shirdel, A., Ghaffari, O., Bagheri, A., & Ghorbani, A. (2012). A Study on the barriers to agricultural land consolidation in Ardabil County, *Proceedings of the 4th Congress of Science and Education on Agricultural and Natural Resources of Iran (Karaj)*. (In Persian)
- Sklenicka, P. (2006). Applying evaluation criteria for the land consolidation effect to three contrasting study areas in the Czech Republic. *Land Use Policy*, 23 (4), 502-510.
- Statistical Center of Iran (2016). *Detailed Results of the General Agricultural Census*. West Azarbaijan Province, A report on Ariculture. (In Persian)
- Sundqvist, P., & Andersson, L. (2006). *A study of the impacts of land fragmentation on agricultural productivity in Northern Vietnam*. Bachelor thesis, Departement of Economics, Uppsala University, 41-49.
- Yu, J., Feng, J., Che, Y., Lin, X., Hu, L., & Yang, Sh. (2010). The identification and assessment of ecological risks for land consolidation based on the anticipation of ecosystem stabilization: A case study in Hubei Province. *China. Land Use Policy*, 27 (2), 293-303.
- Zare, A. (2000). Land distribution in Fars provins, effects and causes. *Proceeding of Third Confernce of Agricultural Economics, Mashhad Ferowski Univercity*. (In Persian)
- Zarifian, Sh., Damavandi, A., & Saadi, H. (2012). Factors affecting adoption of land Consolidation plan in Kabudarahang Villages of Hamadan Province. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 26 (4), 243-237. (In Persian)
- Zhou, J. M. (1999). *How to carry out land consolidation: An international comparison*. EUI Working Paper ECO, No. 99/1.

How to cite this article:

Karimi, K., Rashidpour, L. and Rasouli Azar, S. (2018). A Study on Consolidation Barriers of Agricultural Farmlands (Case Study: Boukan County). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 13(3), 647-661. http://jshsp.iaurasht.ac.ir/article_545177.html

A Study on Consolidation Barriers of Agricultural Farmlands (Case Study: Boukan County)

Khalid Karimi

M.Sc. Graduated, Agricultural Management, College of Agriculture, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran

Loghman Rashidpour*

Assistant Professor, Dep. of Agricultural Management, College of Agriculture, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran

Soleiman Rasouli Azar

Assistant Professor, Dep. of Agricultural Management, College of Agriculture, Mahabad Branch, Islamic Azad University, Mahabad, Iran

Received: 24/12/2016

Accepted: 13/05/2018

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Agriculture with small-scale units, because of the lack of effective use of technology and modern facilities, is considered to be a limiting factor in the productivity and productivity of production in the agricultural sector, which can't provide the minimum food needed by the community. These issues lead to a lack of coordination in the proper allocation and combination of factors of production, water spill between the parts, and the inability to properly manage other factors of production. These factors and the lack of desirable utilization of the system have had a negative effect on the economic and technical efficiency of the resources and factors of agricultural production. The planners of agricultural development facilitators to overcome the challenges of agricultural land dispersion and dispersion recommend a logical and feasible land consolidation solution. Despite all the benefits that consolidation has, its implementation process faces many barriers. Part of these barriers stems from the lack of awareness of the people of the agricultural community and cultural barriers and adherence to the traditions of that society, and the other part refer to farmers' livelihood potential and livelihood, livelihood provision and their inability to take risks to implement the integration process. Therefore, the main objective of this study is to investigate the barriers to consolidation in agricultural lands, taking into account the economic and social realities of the region, to find effective ways to overcome these obstacles.

Methodology

This research uses a descriptive-survey method to study the barriers of land consolidation in the Boukan County. Statistical population of the study was included all Agricultural beneficiaries of Boukan county that out of them, 200 sample were selected by Cochran formula in a simple random sampling method. The researcher-made questionnaire was used for data gathering that's validity and reliability was confirmed by experts and Cronbach's alpha coefficient was 0.87.

Results and discussion

Descriptive results showed that the average age of the farmers was 41 years and had an average of 21 years of agricultural work experience. The average owner of each farmer was 3 pieces of

* Corresponding Author:

Email: rashidpour@iau-mahabad.ac.ir

land. The results of factor analysis showed that six factors included; cultural barriers, social-participatory barriers, educational barriers, economic barriers, legal barriers and policy and structural barriers (topography) could explain about 73% of the variance of barriers to land consolidation.

Conclusion

The results showed that, lack of training on appropriate consolidation methods, lack of farmers' participation in explanation classes, buying and selling agricultural land, traditional beliefs, the structure of certain laws such as inheritance and grant, land ownership, lack of attention to the rural economy, lack of participation of banks and lack of proper investment in agricultural sector, are the most important variables of the six-factor barriers of agricultural land consolidation in the Boukan county.

Keywords: Farmland, Barriers, Consolidation, Boukan